

تضمینات حقوق دفاعی متهمان و امر بازجویی در مرحله تحقیقات مقدماتی

دکتر حسنعلی مؤذن زادگان moazenzadegan@atu.ac.ir

دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی

تاریخ دریافت مقاله: ۸۶/۲/۱۱ تاریخ پذیرش نهایی: ۸۶/۱۱/۳

چکیده

تحقیقات مقدماتی، مرحله اساسی تدارک پرونده دادرسی کیفری به منظور تعیین سرنوشت قضایی متهمان و احقاق حقوق بزه دیدگان و اجرای عدالت کیفری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بازجویی متهمان، مرکز ثقل تحقیقات مقدماتی محسوب می‌شود و با عنایت به لزوم حمایت از اصل برائت و حفظ کرامت انسانی در اثنای مراحل دادرسی، خطوط اصلی حقوق دفاعی اشخاص مذکور قبل و در اثنای بازجویی وفق اسناد بین‌المللی و منطقه ای حقوق بشر در مرحله تحقیقات مقدماتی تعیین گردیده است. مصادیق حقوق دفاعی در سازوکار تشریفات بازجویی متنوع است و باید در نظام های دادرسی کیفری کشورها، مطابق اصول دادرسی منصفانه و اسناد مزبور پیش بینی و مقرر شود. از جمله این حقوق می‌توان به حق تفهیم اتهام با ذکر دلایل آن، حق سکوت و اعلام آن، حق داشتن وکیل و اعلام آن، حق منع تأخیر و تعلل در تفهیم اتهام پس از احضار یا دستگیری متهمان، حق تذکر به مواظبت در اظهارات، حق منع شکنجه جسمی و روحی در اثنای بازجویی و حق ابطال تحقیقات ناقض حقوق دفاعی متهمان اشاره کرد.

در نظام دادرسی کیفری ایران، اگرچه مقنن به برخی از حقوق مزبور در قانون اساسی و قوانین دادرسی کیفری تصریح کرده است، لیکن در تطبیق با اصول دادرسی منصفانه و تضمینات حقوق بشری در اثنای بازجویی لازم است نواقص موجود، به ویژه در زمینه عدم پیش بینی حق بی قید و شرط داشتن وکیل، حق منع تأخیر در تفهیم اتهام و حق ابطال تحقیقات ناقض حقوق دفاعی متهمان نیز مرتفع شود. همچنین، مصادیق حقوق متهمان نزد ضابطان دادگستری هنگام نگهداری تحت نظر ایشان در قرارگاه‌ها یا حوزه های انتظامی جهت انجام تحقیقات و به ویژه بازجویی که در حال حاضر به صورت جزئی، ضعیف و مبهم مطرح شده است، به طور شفاف و دقیق پیش‌بینی شود. قوه قضاییه ایران لایحه جامع آیین دادرسی کیفری را تهیه کرده است و برای طی تشریفات تصویب به دولت تقدیم داشته و برخی از نواقص مزبور را مرتفع ساخته است.

واژه‌های کلیدی: تحقیقات مقدماتی، حق دفاع متهم، بازجویی، تفهیم اتهام و منع تأخیر آن، پرسشهای القایی،

شکنجه و اغفال متهم

مقدمه

تحقیقات مقدماتی مرحله حساس دادرسی کیفری است. اقدامات قضات تحقیق و ضابطان دادگستری در موارد خاص، در این مرحله همانند مراحل کشف جرم، تعقیب متهم و دادرسی به معنی اخص، باید متضمن حفظ حقوق و آزادی های اساسی متهمان، ترمیم خسارات بزه دیدگان و تأمین نظم عمومی و منافع اجتماع باشد.

با این همه، تأمین حفظ حقوق فردی و اجتماعی مزبور به طور توأمان در این مرحله از دادرسی از پیچیدگی و ظرافت خاص بیشتری برخوردار است، زیرا از یک سو ضرورت حفظ نظم عمومی و منافع اجتماعی و ترمیم خسارت بزه دیدگان ایجاب می کند که به سرعت آثار و قرائن و دلایل ارتکاب جرم حفظ و جمع آوری و از فرار یا مخفی شدن متهمان جلوگیری شود و از سوی دیگر، همواره نگرانی و بیم این امر وجود داشته است که در اثنای انجام اقدامات سریع مزبور، دقت و احتیاط، فدای تعجیل در ضرورت تسریع انجام تحقیقات گردد و اشخاص شرافتمند به ناحق تحت تعقیب کیفری قرار گرفته، علیه ایشان کیفر خواست صادر شود. به همین لحاظ، در تحولات نظام های دادرسی کیفری، برای تأمین موازین حقوق بشر در اسناد بین المللی، سعی وافر مبذول شده است که ضمن تأمین حقوق جامعه، حقوق دفاعی اشخاص مظنون در این مرحله حفظ و توسعه یابد.

در میان اقدامات متنوعی که در تحقیقات مقدماتی انجام می شود، بازجویی متهمان از اهمیت ویژه ای برخوردار است، زیرا بازجویی متهمان مرکز ثقل تحقیقات مقدماتی است. مقدمات بازجویی کشف جرم و بر حسب قرائن و شواهد موجود شناسایی متهم، اقدام برای تعقیب او و احضار یا جلب وی به اقتضای شرایط مربوط نزد مقامات قضایی است.

اقدامات متعاقب بازجویی ممکن است به صدور قرار تأمین در تضییق حقوق و آزادی های اساسی متهم یا حتی سلب آزادی وی به طور موقت منتهی شود و ناگفته پیداست که این محدودیت و سلب آزادی بر خلاف اصل برائت است، زیرا تضییق حقوق افراد بدون احراز مجرمیت و قطعیت حکم محکومیت بر خلاف عدالت قضایی است. با وجود این، در همه نظام های دادرسی کیفری، محدودیت های مزبور به منظور تأمین حقوق احتمالی اجتماع و بزه دیدگان در جلوگیری از امحای آثار جرم و جمع آوری ادله و فرار یا مخفی شدن متهم به عنوان امری ناگزیر پذیرفته شده است.

به طوری که ملاحظه می شود، در این راستا بازجویی به عنوان مرز بین دو دسته از اقدامات تحقیقات مقدماتی مزبور در تضييع حقوق و آزادی های فردی متهمان یا آزادی ایشان نقش اساسی مهمی ایفا می کند و چنان که اشاره شد، مرکز ثقل تحقیقات محسوب می شود. نظر به اهمیت امر تحقیقات مقدماتی و به ویژه اقدام بازجویی، اسناد بین المللی حقوق بشر، قوانین اساسی و نظام های عدالت کیفری مترقی کشورها، تضمینات حقوق دفاعی متهمان را در راستای حمایت از اصل برائت به عنوان میراث مشترک حقوقی کشورها، هنگام اعمال تحقیقات پیش بینی و مقرر کرده اند. دفاع مؤثر متهمان و وکلای ایشان در استناد به حقوق دفاعی مزبور، موجب جلوگیری از تعرض به حقوق و آزادی های اساسی آنان و صدور قرار منع تعقیب یا موقوفی تعقیب در مرحله تحقیقات است. بنابراین، تحقیق در تبیین مفهوم حقوق دفاعی متهمان و مصادیق آنها از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

در این مقاله، ضمن تبیین واژگان کلیدی تحقیق، به مجموعه قواعدی پرداخته می شود که بر حسب اسناد فوق الذکر، به منظور رعایت حقوق دفاعی متهمان قبل و در اثنای بازجویی پیش بینی شده و در نظام های حقوقی کشورهای مترقی تجلی یافته اند. در جهت رعایت جنبه کاربردی موضوع مقاله، قواعد مورد اشاره ضمن مطالعه ای تطبیقی در برخی کشورها، حقوق موضوعه ایران نیز مورد بررسی و کنکاش قرار می گیرد؛ به طوری که ملاحظه خواهیم کرد، بخشی از قواعد مزبور در نظام دادرسی کیفری ایران مغفول مانده است.

۱. تبیین واژگان

۱-۱. تحقیقات مقدماتی^۱

همان گونه که اشاره شد، تحقیقات مقدماتی، یکی از مراحل دادرسی کیفری است و در معنای وسیع به مجموعه اقداماتی اطلاق می شود که از زمان وقوع جرم آغاز و با کشف جرم، اقدام برای دسترسی به متهم، جمع آوری دلایل به نفع یا ضرر متهم، انجام بازجویی، صدور قرار تأمین و اظهار نظر راجع به بزهکاری یا بی گناهی متهم خاتمه پیدا می کند، لیکن در مفهوم مضیق، تحقیقات مقدماتی محدود به اقدامات قاضی تحقیق و یا ضابطان دادگستری به موجب قانون و یا ارجاع قاضی مزبور به ضابطان، در جمع آوری دلایل به نفع یا ضرر متهم در موارد مصرح قانونی، صدور قرار تأمین برای جلوگیری از فرار یا مخفی شدن او و یا امحای آثار جرم

و نیز اظهار نظر راجع به بزهکاری یا بیگناهی اوست (آشوری، ۱۳۷۹، ج ۲: ۷-۸ و آخوندی، ۱۳۸۲: ۱۱-۱۲). ماده ۱۹ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ با لحاظ معنای موسع مقرر می‌دارد: «تحقیقات مقدماتی، مجموعه اقداماتی است که برای کشف جرم و حفظ آثار و ادله وقوع آن و تعقیب متهم از بدو پیگرد قانونی تا تسلیم به مرجع قضایی صورت می‌گیرد. ضابطین دادگستری حق اخذ تأمین از متهم را ندارند.»

در تعریف مزبور، مقام متصدی انجام تحقیقات مشخص نشده است. با توجه به بند و ماده ۳ قانون اصلاح موادی از قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب سال ۸۱، «تحقیقات مقدماتی کلیه جرایم برعهده بازپرس می‌باشد. در جرایمی که در صلاحیت رسیدگی دادگاه کیفری استان نیست، دادستان نیز دارای کلیه وظایف و اختیاراتی است که برای بازپرس مقرر است.» لذا متصدی انجام تحقیقات بازپرس یا دادستان و مراد از «مرجع قضایی» مذکور در ماده ۱۹ اخیر الذکر دادگاه‌های عمومی، انقلاب و کیفری استان بر حسب مورد است.

۱-۲. حق دفاع متهم^۱

حمایت از حق دفاع متهم در دادرسی کیفری، در حقیقت تضمین رعایت حقوق طبیعی اشخاص، به ویژه حق حیات و آزادی ایشان است. حقوق مزبور با خمیرمایه شخصیت افراد، با قطع نظر از اختلافات فرهنگی، اعتقادی، نژادی و مانند آن عجین شده است. بند ۱ ماده ۶ و ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، به جز در موارد مقرر آیین دادرسی به حکم قانون، سلب حق حیات و آزادی فردی را به عنوان مصادیق بارز حقوق طبیعی از سوی اشخاص حقیقی یا حقوقی اعم از حقوق عمومی و خصوصی ممنوع اعلام کرده است (ارجمند، ۱۳۸۰، ج ۱: ۹۳-۱۱۴).

قوانین اساسی و عادی کشورها نباید و اساساً نمی‌تواند چنین حقوقی را نقض یا به روش‌های خلاف عقل و اصول دادرسی منصفانه محدود سازد؛ از این رو، وظیفه قانونگذار این است که به تبع الزام حفظ حقوق طبیعی، حق دفاع متهم و آثار و لوازم و آن‌را به عنوان تضمین حقوق مزبور به رسمیت شناخته، مجدانه به حمایت از آنها بپردازد. حمایت از حق دفاع، مستلزم تصویب قوانینی بر اساس اصول دادرسی منصفانه است که ضمن احترام عمیق به آزادی بیان متهم در رسیدگی به امر کیفری، وسایل و امکانات کافی لازمه دفاع از اتهام را تدارک بیند.

1. The right of defense of accused

در بیان مفهوم حق دفاع متهم، تعاریف زیادی مطرح شده است. در این تحقیق، ضمن احترام به دیدگاه‌های مختلف در تعریف جامع و مانعی می‌توان اظهار داشت: حق دفاع متهم به سلطه غیر قابل انفکاک با شخصیت هر فرد جامعه اطلاق می‌شود که از طریق نظام حقوقی کشور به رسمیت شناخته شده و مورد حمایت قرار گرفته است و بر اساس آن، شخص می‌تواند رفتار مجرمانه منتسب به خود را با همه امکانات قانونی و مشروع در مراجع انتظامی و قضایی دفع یا رد کند (مؤذن زادگان، ۱۳۷۳: ۲۳-۲۶). مجموعه امکانات قانونی و مشروع مزبور حقوق دفاعی متهمان را تشکیل می‌دهد. در این تحقیق حقوق دفاعی متهمان در امر بازجویی مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

۱-۳. بازجویی^۱

بازجویی یا تحقیق از متهم، رکن اساسی تحقیقات جنایی است. هدف از بازجویی کشف واقعیت مجرمانه و تشخیص اتهام صحیح از سقیم است. بنابراین، حداقل یکی از هدف‌های مهم بازجویی رعایت حق دفاع متهم است.

برخی از مؤلفان، بازجویی را عبارت از «تطبيق اطلاعات به دست آمده با اظهارات مظنون ویژه و اخذ اعتراف از وی دانسته‌اند» (سوانسون، چاملین و تری تو، ۱۳۷۵: ۲۷۹).

صاحب کتاب **قانون الاجراءات الجنائیه** در تعریف بازجویی می‌گوید: «بازجویی تحقیق تفصیلی از متهم درباره بزه انتسابی به وی و درخواست تأیید یا رد اتهام است» (عوض محمد، ۱۹۹۰م: ۵۱۲).

به نظر می‌رسد که با توجه به اهمیت حق دفاع متهم در اعمال بازجویی، تعریف جامع آن چنین است: «بازجویی طرح سؤالات قانونی از متهم یا مظنون به ارتکاب جرم، به منظور کشف واقعیت مجرمانه و تضمین حق دفاع است» (مؤذن زادگان، همان: ۱۶۴).

۲. تضمینات حقوق دفاعی قبل از شروع به بازجویی

با توجه به موقعیت ویژه امر تحقیق از متهم در فرآیند تحقیقات مقدماتی، برحسب اصول دادرسی منصفانه قبل از شروع بازجویی، تضمینات دقیقی در حمایت از حقوق دفاعی متهمان در نظام‌های دادرسی کیفری پیش بینی شده است. قاضی تحقیق یا ضابطان دادگستری به

نماینده‌گی از طرف وی یا به مباشرت در جرایم مشهود، مکلف به رعایت تضمینات مزبور هستند. در این بخش، تضمینات حقوق دفاعی متهمان قبل از شروع به بازجویی بحث و بررسی می‌گردد.

۲-۱. ضرورت وجود دلایل کافی^۱

با عنایت به لزوم رعایت اصل برائت در نظام‌های دادرسی کیفری، به منظور حمایت از اصل مزبور، الزامات مخصوص در کلیه مراحل رسیدگی مقرر شده است. از جمله این الزامات، لزوم تحقق بار اثبات اتهام به عهده مقام تعقیب و شاکی خصوصی از طریق تحصیل و ارائه دلایل قانونی و مشروع و منطبق با موازین دادرسی منصفانه نزد مقامات قضایی تحقیق و رسیدگی است. لذا امر بازجویی نیز که یکی از اقدامات حساس مرحله تحقیقات مقدماتی است، متوقف بر تحصیل و ارائه دلیل کافی مبنی بر توجه اتهام به متهم، از سوی مقام تعقیب و شاکی خصوصی است.

در حقوق کیفری ایران، هرچند متنی که به صراحت این مطلب را بیان کند، به چشم نمی‌خورد، لیکن اولاً، با عنایت به این که حسب صراحت ماده ۱۲۴ ق. آ. د. ک «قاضی نباید کسی را احضار یا جلب کند، مگر این که دلایل کافی برای احضار یا جلب داشته باشد، و احضار یا جلب بر حسب مورد مقدمه ضروری تحقیق از متهم است. بنابراین، به طریق اولی بازجویی از متهم نیز باید مسبق به دلایل کافی باشد؛ ثانیاً، همان گونه که خواهیم دید، حسب ماده ۱۲۹ ق. آ. د. ک تفهیم اتهام باید همراه با ذکر دلایل باشد، و چون امر تفهیم اتهام نیز از تضمینات قبل از شروع اتهام است، لذا وجود دلایل کافی برای شروع به اتهام ضرورت خواهد داشت. مؤید این مطلب نظریه ۷/۹۳۴۳ مورخ ۱۳۷۹/۵/۵ اداره حقوقی قوه قضاییه است. در این نظریه آمده است که: «حسب مقررات قانون آیین دادرسی، قاضی بدون وجود دلایل کافی، نه کسی را می‌تواند احضار کند و نه اتهامی را به وی تفهیم نماید...» (اداره کل تدوین و تنقیح قوانین و مقررات ریاست جمهوری، ج اول: ۱۶۹).

در حقوق انگلو- امریکن صدور برگ احضارنامه «summons» متوقف بر وجود قراین کافی مبنی بر ارتکاب جرم از ناحیه متهم - که در حقوق انگلستان «prima facie» و در حقوق امریکا «probable cause» نامیده می‌شود- ضروری است.

1. The evidences of sufficient

به منظور صدور حکم جلب «the warrant of arrest» علاوه بر ضرورت وجود ادله کافی، سوگند کتبی متقاضی دایر به صحت ادعای توجه اتهام نیز لازم است (Pritchard, john, 1989:773-774)

به نظر علمای دادرسی اسلام، قاضی دادگاه به منظور بازجویی از متهم، از شیوه‌های احضار یا جلب بر حسب مورد استفاده می‌کند. جلب متهم مسبوق به احضار و امتناع از حضور در محضر حاکم شرع است. احضار یا جلب متهم به عنوان مقدمه بازجویی باید متکی به دلیل باشد (جعفری لنگرودی، بی تا، ج اول: ۲۷ و ۳۱).

بنابراین، همان طور که ملاحظه می‌شود، به منظور جلوگیری از سلب غیر قانونی آزادی افراد و اخلال به حق دفاع متهمان، در نظام های دادرسی کیفری و نیز دادرسی اسلام، بازجویی از متهم زمانی امکان پذیر است که دلایل کافی مبنی بر وقوع جرم و توجه آن به وی، موجود باشد.

۲-۲. ثبت هویت متهم^۱

در مرحله تحقیقات مقدماتی، طبق مقررات نظام دادرسی کیفری، قبل از هرگونه اقدام تحقیقی، هویت متهم باید دقیقاً ثبت شود. ثبت هویت متهم معمولاً در اوراق مخصوص چاپی انجام می‌شود. این رویه در سایر کشورها نیز اعمال می‌شود. در حقوق ایران نحوه ثبت هویت متهم به شرح ماده ۱۲۹ ق. آ. د. ک پیش بینی شده است. این ماده مقرر می‌دارد: «قاضی ابتدا، هویت و مشخصات متهم (اسم، اسم پدر، شهرت، فامیل، سن، شغل، عیال، اولاد و تابعیت) و همچنین آدرس (شهر، بخش، دهستان، روستا، خیابان، کوچه و شماره منزل) او را دقیقاً سؤال نموده، به نحوی که ابلاغ احضاریه و سایر اوراق به آسانی مقدور باشد و متذکر می‌شود که...» در تبصره ۱ ماده مزبور در ادامه موضوع ثبت مشخصات متهم، آمده است: «قاضی در ابتدای تحقیق به متهم تفهیم می‌کند، محلی را که برای اقامت خود اعلام می‌کند، محل قانونی اوست و چنانچه محل اقامت خود را تغییر دهد، باید محل اقامت جدید را به گونه ای که ابلاغ ممکن باشد، اعلام کند. در غیر این صورت، احضاریه ها به محل اقامت سابق فرستاده خواهد شد... رعایت مقررات این ماده از نظر تعیین محل اقامت شاکی یا مدعی خصوصی لازم است.»

1. Identification of accused

در تبصره ۲ همان ماده «تخلف مأموران ابلاغ در انجام وظایف خود و یا گزارش خلاف واقع آنان در امور مربوط به وظایفشان مشمول مجازات مقرر قانونی» قلمداد شده است. فلسفه تصریح قانونگذار در متن ماده، دائر به ثبت دقیق مشخصات متهم، به نحوی که ابلاغ احضاریه و سایر اوراق به آسانی مقدور باشد و نیز تأکید این مطلب در تبصره ۱ که قاضی مکلف به تفهیم این موضوع به متهم است که چنانچه محل اقامت خود را تغییر دهد، محل جدید را به گونه ای اعلام کند که ابلاغ ممکن باشد، حمایت از حقوق دفاعی متهمان است، زیرا هر بار که ضرورت انجام تحقیق به تشخیص قاضی و جود داشته باشد، متهم باید با اطلاع زمان آن مبادرت به تدارک لازم برای دفاع نماید، و این امر میسر نیست مگر این که مشخصات و به ویژه محل سکونت او قبلاً تعیین و ثبت شده باشد تا بتواند از طریق ابلاغ مجدد از وقت تحقیق مستحضر شود.

آنچه در عمل مشاهده می‌شود، این است که مقامات قضایی و انتظامی به لحاظ تراکم پرونده‌ها یا جهات دیگر، به تکلیف قانونی مقرر در تبصره ۱ عنایت کافی مبذول نمی‌دارند و در این زمینه، نه تنها به تفهیم -که اقدامی فراتر از اعلام ساده است عمل نمی‌شود- بلکه اعلام ساده موضوع را نیز شاهد نیستیم.

در تبصره ۲ ضمانت اجرای رعایت تشریفات مزبور نسبت به مأموران ابلاغ پیش بینی شده است. طبق مفاد این تبصره، چنانچه مأموران ابلاغ از وظایف قانونی ناظر به مقررات ابلاغ تخلف کنند، تحت پیگرد انتظامی قرار می‌گیرند و اگر در اعاده اوراق ابلاغ قضایی گزارش خلاف واقع اعلام کنند، باید به عنوان مرتکب جرم گزارش خلاف واقع تحت تعقیب کیفری واقع شوند، اما اگر قضات تحقیق از وظایف مقرر مزبور تخلف کنند، هیچ‌گونه ضمانت اجرایی در این ماده پیش بینی نشده است. در تبصره ماده ۱۲۵ قانون آیین دادرسی کیفری سابق، علاوه بر پیش بینی ضمانت اجرای انتظامی و جزایی مورد بحث در خصوص مأموران ابلاغ به شرحی که گفته شد، ضمانت اجرای تعقیب انتظامی با محکومیت از درجه ۴ به بالا نیز برای قضات تحقیق، به لحاظ تخلف از مقررات ناظر به نحوه ثبت و مشخصات متهم، به نحوی که توضیح داده شد و سایر مقررات دیگر آن در بازجویی از متهمان مقرر شده بود.

بدین ترتیب، معلوم می‌شود که قانون آیین دادرسی کیفری سابق، حمایت جدی‌تری از حقوق دفاعی متهمان به عمل آورده بود. لازم است این نکته مورد توجه متصدیان تدوین لایحه آیین دادرسی کیفری جدید قرار گیرد. در لایحه آیین دادرسی کیفری تهیه شده توسط قوه

قضایه که برای طی تشریفات تصویب به هیأت دولت تقدیم شده است^۱، طبق ماده ۳۰ - ۱۲۵، برای تخلف از موضوع مزبور ضمانت اجرای انتظامی محکومیت تا درجه چهار پیش بینی شده است.

۲-۳. تذکر به مواظبت در اظهارات

اهمیت بازجویی و آثار ناشی از آن ایجاب می کند که متهم در پاسخ به پرسش های مقامات قضایی و انتظامی، با احتیاط و حزم و دوراندیشی عمل کند و به واسطه اظهارات نسنجیده، موجبات گرفتاری خود را فراهم نکند. آگاهی متهم از این نکته بسیار اساسی و مؤثر در سرنوشت قضایی او مؤثر است، اما اشخاص به ویژه هنگامی که به عنون متهم و آن هم بار اول نزد مقامات قضایی و انتظامی حاضر می شوند، آنچنان از حالت روحی و روانی غیر عادی و نگرانی مخصوص برخوردارند که قادر به درک جایگاه بازجویی و آثار و تبعات ناشی از آن نیستند و چنانچه هشدارهای لازم قبل از انجام تحقیق به ایشان داده نشود، به احتمال زیاد با اظهارات ناصواب موجب لطمه به آبرو و حیثیت، آزادی، مال یا حتی جان خود می گردند. از این رو، در نظام های دادرسی کیفری برای حمایت از حقوق دفاعی اشخاص، تمهیداتی به منظور انجام بازجویی صحیح و قانونی و مطابق با موازین دادرسی منصفانه اندیشیده شده است. در حقوق ایران، مقنن به شرح ماده ۱۲۹ ق. آ. د. ک و در ادامه مطالبی که درباره ضرورت ثبت هویت متهم بیان داشت، مقرر می دارد که قاضی باید به متهم متذکر شود که مواظب اظهارات خود باشد.

روح عبارت « تذکر به مواظبت در اظهارات » همان تکلیفی است که پلیس در حقوق انگلستان به هنگام شروع بازجویی از متهم در این زمینه دارد. به موجب این تکلیف، پلیس قبل از شروع بازجویی باید به متهم توضیح دهد، چنانچه مطلبی بیان کند، ثبت خواهد شد و ممکن است به عنوان دلیل علیه وی استفاده شود (Pritchard, jhon, op. cit.:662).

۱. لایحه جامع آیین دادرسی کیفری پس از حدود پنج سال بررسی و تحقیق قوه قضاییه برای طی تشریفات تصویب به دولت تقدیم شده است. و پیرامون بررسی آن نشست های متعددی برگزار گردیده است؛ از جمله ر. ک: میزگرد نقد و بررسی لایحه آیین دادرسی کیفری با حضور آقایان دکتر آشوری، دکتر گلدوست، دکتر مؤذن زادگان، دکتر جمشیدی، دکتر خالقی و دکتر طهماسبی (ماهنامه آموزش دادگستری کل استان خوزستان، ۱۳۸۶: ۴۷-۵۲).

در حقوق آمریکا تکلیف مذکور توسط دیوان عالی کشور از زمان طرح پرونده *miranda* به سال ۱۹۶۶ میلادی به عهده پلیس نهاده شده است.

در نظام حقوقی کشور مزبور، چنانچه قاعده فوق‌الذکر رعایت نشود، متهم یا وکیل او را قادر می‌سازد تا در هنگام محاکمه، درخواست بی‌اعتباری دلایل تحصیل شده را از قاضی محکمه داشته باشد. در صورت موجه بودن اعتراض مزبور دادگاه رأی به ابطال اظهارات خود اتهامی متعاقب نقض این قاعده صادر خواهد کرد (Kolasa, Blairy j, 1978: 236).

در رویه قضایی ایران از حیث عملی، تذکر به مواظبت در اظهارات در معنای حقیقی خود صورت نمی‌گیرد، زیرا اعلام مواظبت به اظهارات، از گذشته تا به حال روی فرم‌های بازجویی مندرج است و قضات و ضابطان دادگستری با توجه به این فرم چاپی، وظیفه خود را در این خصوص انجام شده تلقی می‌کنند؛ در صورتی که لازم است مواظبت در اظهارات به صورت شفاهی و با بیانی روشن به متهمان تفهیم شود. در ماده ۱۲۹ و تبصره‌های آن بر خلاف قانون آیین دادرسی کیفری سابق - به نحوی که قبلاً توضیح داده شد در خصوص عدم رعایت قاعده فوق‌الذکر، هیچ‌گونه ضمانت اجرایی پیش‌بینی نشده است. در لایحه تهیه شده قوه قضاییه به شرح ماده ۳۰-۱۲۵ در صورت تخلف از اعلام مواظبت در اظهارات، محکومیت انتظامی تا درجه ۴ پیش‌بینی شده است.

۴-۲. تفهیم اتهام با ذکر دلایل آن

لازمه حمایت از حق دفاع متهم در دفع یا رد اتهام روا یا ناروایی که به او نسبت داده‌اند و نیز رعایت اصل برائت در این فرآیند از دادرسی، آگاهی او از موضوع اتهام و دلایل آن است، زیرا جهل نسبت به موضوع و دلایل اتهام، موجب خدشه به حقوق و آزادی‌های فردی و به ویژه حق دفاع و نقض اصل برائت است (موسوی اردبیلی، ۱۴۰۸ هـ.ق: ۳۷۰). طبق شق الف بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در نظام‌های حقوقی اتهام فرد با ذکر نوع و علل آن باید در اسرع وقت و به تفصیل به زبانی که او بفهمد، مطرح شود و به آگاهی وی برسد.

قانون آیین دادرسی کیفری ایران مانند مقررات دادرسی کیفری سایر کشورها، از قبیل آمریکا (ibid:237)، انگلستان (Pritchard, jhon, op.cit.:116) و لبنان (عوجی، ۱۹۸۹م: ۵۶۵) حق آگاهی تفصیلی از موضوع اتهام را به صراحت برای متهم پیش‌بینی کرده

است. ماده ۱۲۹ در مقام بیان این حق مقرر می دارد: «قاضی.... موضوع اتهام و دلایل آن را به صورت صریح به متهم تفهیم می کند...».

بیان کلمات « صریح » و « تفهیم » در ماده مذکور، بیانگر آن است که بیان اتهام با جزییات و دلایل آن باید به گونه ای صورت گیرد که متهم آن را کاملاً درک کند. برای مثال، اگر شخصی به عنوان معاونت در اختلاس تحت تعقیب است، قاضی یا ضابط دادگستری باید ضمن تبیین مفهوم اختلاس از نظر حقوقی، عمل متهم را به عنوان یکی از مصادیق معاونت مذکور در ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامی به همراه دلایل توجه اتهام توضیح دهد و به درک کامل وی برساند. اگر متهم زبان فارسی نداند، قاضی تحقیق باید به وحدت ملاک ماده ۲۰۲ ق. آ. د. ک که در مرحله رسیدگی دادگاه مقرر شده است، دو نفر مترجم مورد وثوق برای ترجمه اظهارات او به طور صحیح و دقیق تعیین کند. همچنین، اگر متهم کر یا لال باشد، به موجب وحدت ملاک ماده ۲۰۴ ق. آ. د. ک در همان مرحله، اقدام لازم را برای تحقیق از او توسط اشخاص خبره معمول دارد.

در نظام دادرسی اسلامی نیز از آنجا که مقتضای صدور حکم و قضاوت، تحقیق از متهم و استماع اظهارات اوست (موسوی اردبیلی، ۱۴۰۸ هـ.ق: ۳۷۰)، به نظر می رسد که تفهیم اتهام با ذکر دلایل آن از حقوق مسلم متهم است، زیرا امر مزبور مقدمه ضروری سؤال و تحقیق است.

۲-۵. حق سکوت و اعلام آن^۱

حق سکوت متهم در پاسخگویی به پرسش های قضات و ضابطان دادگستری هنگام بازجویی در نظام های دادرسی کیفری پذیرفته شده است. شق ز بند ۳ ماده ۹ میثاق بین الملل حقوق مدنی و سیاسی به حق سکوت متهم تصریح نموده است. در حقوق ایران با عنایت به قسمت اخیر ماده ۱۲۹ ق. آ. د. ک که مقرر می دارد: «... چنانچه متهم از دادن پاسخ امتناع نماید، امتناع او در صورت مجلس قید می شود»، حق سکوت متهم در اثنای بازجویی به نحو تلویحی مورد قبول مقنن است و قضات تحقیق و ضابطین دادگستری مکلف به رعایت این حق هستند، اما در برخی کشورها نه تنها سکوت در اثنای بازجویی از جمله حقوق دفاعی متهم است، بلکه قضات تحقیق یا پلیس بر حسب مورد موظف به اعلام حق سکوت به وی هستند.

1.Notification of right of silence

در حقوق امریکا حسب آرای متعدد دیوان عالی کشور از حق سکوت و ضرورت اعلام آن به متهم قبل از بازجویی حمایت شده است. از جمله در دعوی «Miranda» دیوان عالی کشور مقرر کرده است که هرگاه فرد بر اساس دستور مقام صلاحیتدار تحت نظر قرار گرفته باشد، امتیاز مصونیت از خود اتهامی، مقتضی آن است که قبل از هر بازجویی حق سکوت به او اعلام شود (Kadish, sandford H, 1975:999).

در حقوق انگلستان نیز نظیر همان رویه، به عنوان یکی از مجموعه قواعد قضات (judges rules) مقرر شده است (Pritchard, op. cit.:662). همچنین در نظام دادرسی ایتالیا (Certoma, GL, 1985:229) و فرانسه (عوجی، ۱۹۸۹م: ۵۷۳) قضات تحقیق مکلف به رعایت حق سکوت متهم و اعلام این حق به وی می باشند.

به علاوه، مهم این که در حقوق انگلو- امریکن و نیز حقوق فرانسه، نه تنها حق سکوت و اعلام آن به متهم، از جمله حقوق دفاعی متهمان قبل از بازجویی است، بلکه در حقوق کشورهای مذکور، عدم تفهیم حق مزبور موجب بطلان تحقیقات و دلایل تحصیل شده مرتب بر بازجویی است (در حقوق فرانسه ر.ک: عوجی، همان: ۵۷۳ و Kadish, sanford H, op. cit.:662 and Prichard, jhon, op. cit.:944).

همان گونه که ملاحظه شد، در نظام دادرسی ایران از سه مورد حقوق دفاعی متهمان در این خصوص؛ یعنی حق سکوت، اعلام یا تفهیم آن و ضمانت اجرای بطلان دلایل مرتب بر بازجویی بدون تفهیم حق سکوت، فقط حق سکوت به نحو تلویحی پذیرفته شده است. در لایحه تهیه شده توسط قوه قضاییه طبق ماده ۲۹ - ۱۲۵، بازپرس مکلف به اعلام حق سکوت شده است و تخلف از این تکلیف به موجب ماده ۳۰ - ۱۲۵ محکومیت انتظامی تا درجه ۴ است.

۶-۲. حق داشتن وکیل^۱ - تکلیف اعلام حق برخورداری از وکیل

حق داشتن وکیل در تحقیقات مقدماتی و لزوم حضور و فعالیت قانونی وی در دفاع از حقوق موکل، به ویژه هنگام بازجویی، تضمینی بسیار اساسی برای حفظ حقوق و آزادی های فردی و جلوگیری از اخلال به حق دفاع است. حضور وکیل در تحقیقات مقدماتی موجب برقراری توازن و تحقق اصل تساوی سلاح ها در روند دادرسی کیفری است، زیرا حضور قضات

1.Right to counsel

مجرب تعقیب، شاکی خصوصی، وکیل یا وکلای او و ضابطان دادگستری در سازمان دادسرا که به انگیزه حمایت از حقوق جامعه و زیان دیده از جرم در امر جمع آوری دلایل به ضرر متهم اشتغال دارند، مستلزم وجود حقوقدانانی فعال و برجسته در کنار متهم به منظور دفاع از حقوق قانونی وی است. حضور وکیل مدافع متهم در تحقیقات، موجب جلوگیری از نابسامانی در امر تحقیق به ضرر وی و قوت قلب اوست. در حقوق اسلامی ذیل عنوان وکیل در خصومت (الوکیل بالخصوصه) حق داشتن وکیل در کلیه دعاوی کیفری یا مدنی به نحو اطلاق از بدو تا ختم دادرسی برای متهم و یا مدعی علیه جایز اعلام شده است. در برخی تألیفات حقوق اسلامی، نپذیرفتن وکیل متهم در مرحله کشف جرم، بازجویی و تحقیقات مقدماتی خلاف مقتضای عدالت ذکر شده است (امام خمینی، بی تا: ۴۵ و زیدان، ۱۴۰۹ هـ.ق: ۱۲۹). در شق ب بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی حق داشتن و ارتباط با وکیل، از جمله حقوق دفاعی متهم است. در حقوق فرانسه، حق انتخاب وکیل توسط متهم در تحقیقات مقدماتی با وجود ویژگی تفتیشی بودن از اواخر قرن نوزدهم میلادی برقرار گردیده است (نقیب، ۱۹۸۶ م: ۴۶۴). به علاوه، قاضی تحقیق در حقوق کشور مزبور مکلف به اعلام حق داشتن وکیل در این مرحله است (عوجی، همان: ۷۰۸).

در حقوق آمریکا وفق شرایط لازم الاجراء دعوی میراندا، ضمن این که متهم حق انتخاب وکیل در همه مراحل دادرسی کیفری، از جمله تحقیقات مقدماتی را دارد، پلیس مکلف است این حق را به اطلاع متهم رساند (Kolsa, Blairy j.op.cit.: 254). موضوع حق داشتن وکیل و تکلیف قاضی تحقیق به تفهیم اعلام این حق به متهم در حقوق کشورهای لبنان و سوریه هم پیش بینی شده است (عوجی، همان: ۷۰۹؛ آشوری و امیدی، همان).

در حقوق ایران، حق انتخاب وکیل برای اولین بار با افزودن تبصره ای به ماده ۱۱۲ ق. آ. د. ک سابق در سال ۱۳۳۵ مقرر شد. این تبصره مقرر می داشت: « متهم می تواند یک نفر از وکلاء رسمی دادگستری را به همراه خود داشته باشد. وکیل متهم بدون مداخله در امر تحقیق، پس از خاتمه بازجویی می تواند مطالبی را که برای روشن شدن حقیقت و دفاع از متهم یا اجراء قوانین لازم بداند، به بازپرس تذکر دهد. اظهارات وکیل در صورتجلسه منعکس می گردد.»

همان طور که از ظاهر تبصره مشخص است، قاضی تحقیق تکلیفی در اعلام حق داشتن وکیل به متهم، ندارد. با این حال، برخی از حقوقدانان در جهت حمایت از حق دفاع و تفسیر

قانون کیفری به نفع متهم معتقد بودند که بازپرس باید این حق را به متهم ابلاغ نماید (خلعتبری، ۱۳۴۳: ۲-۳)

انتظار می رفت که مقنن در تصویب قانون دادرسی کیفری مصوب سال ۷۸، تحولات تقنینی دادرسی کیفری را در راستای حمایت از حق دفاع و به ویژه حق انتخاب وکیل مورد توجه قرار داده و علاوه بر پیش بینی حق مزبور، به طوری که در تبصره یاد شده مطرح گردید، صریحاً بازپرس را مکلف به اعلام حق مزبور به متهم کند، اما متن تبصره عیناً به عنوان ماده ۱۲۸ قانون فوق الذکر پیش بینی شد و به این ماده تبصره ای اضافه شده که نه تنها موضوع تکلیف بازپرس به اعلام حق داشتن وکیل در تحقیقات را به بوته فراموشی سپرده، بلکه نفس حق داشتن وکیل را نیز با لحاظ قیودی مبهم مخلدوش کرده است. تبصره ماده ۱۲۸ می گوید: «در مواردی که موضوع جنبه محرمانه دارد، یا حضور غیر متهم به تشخیص قاضی موجب فساد گردد و همچنین در خصوص جرایم علیه امنیت کشور، حضور وکیل در مرحله تحقیق با اجازه دادگاه خواهد بود.»

بدین ترتیب، قاضی می تواند با تفسیر سلیقه ای «جنبه محرمانه داشتن تحقیقات» که در هر اتهامی می تواند مطرح باشد^۱ و وجود فسادی که دامنه یا قلمرو آن تعریف نشده است از حضور وکیل در تحقیقات ممانعت به عمل آورد.

با توجه به انتقادات موجهی که به این تبصره شد، مقنن در بند ۳ ماده واحده قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۸۳/۲/۵، مقرر کرد: «محاکم و دادرها مکلفند حق دفاع متهمان و مشتکی متهم را رعایت کرده و فرصت استفاده از وکیل و کارشناس را برای آنان فراهم سازند.»

با توجه به این که قانونگذار وفق مقرر مزبور در مقام بیان تعریف مجدد حق انتخاب وکیل از سوی متهمان بوده است و در عین حال، قیود مذکور در تبصره ماده ۱۲۸ را مطرح ننموده و با عنایت به اصل قبح سخن لغو توسط مقنن و با توجه به لزوم تفسیر قانون کیفری به نفع متهم، می توان بر این عقیده بود که قیود مبهم ماده ۱۲۸ نسخ گردیده و حق انتخاب وکیل به طور

۱. اداره حقوقی قوه قضائیه در نظریه شماره ۷/۷۳۷۹، منظور از محرمانه بودن را موارد مذکور در بندهای سه گانه ماده ۱۸۸ ق.آ.د.ک (اعمال منافی عفت و جرایمی که برخلاف اخلاق حسنه است، دعاوی حقوقی به درخواست طرفین و محل امنیت یا احساسات مذهبی بودن تعریف کرده است. این نظریه ارشادی است و الزامی برای قضات در تفسیر محرمانه بودن ایجاد نمی کند) (اداره کل تنقیح قوانین ریاست جمهوری، ۱۳۸۳: ۱۶۹)

مطلق برای متهم پیش بینی شده است، اما مشاهده می شود که مقنن، دگر باره موضوع حق انتخاب وکیل را توسط متهم به فاصله حدود ۵ ماه بعد از مصوبه قانونی اخیرالذکر مورد توجه قرار داده و در بند ۷ ماده ۱۳۰ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۸۳/۷/۱۶ مقرر می دارد: « به منظور اجرای اصل سی و پنجم (۳۵) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و نیز به منظور تأمین و حفظ حقوق عامه و گسترش خدمات حقوقی هر یک از اصحاب دعوی حق انتخاب، معرفی و حضور وکیل در تمامی مراحل دادرسی اعم از تحقیقات، رسیدگی و اجرای احکام قضایی را به استثنای مواردی که موضوع جنبه محرمانه دارد و یا حضور غیر متهم به تشخیص قاضی موجب فساد می شود، دارند.»

بدین سان، با توجه به قانون مزبور همچنان باید بر این عقیده بود که قیود تبصره ماده ۱۲۸ به جز مورد جرایم امنیتی که آن نیز می تواند در چارچوب محرمانه بودن موضوع یا وجود فساد در تحقیقات در صورت حضور غیر متهم، مشمول همان حکم شود، به قوت و اعتبار خود باقی است.

ملخص کلام این که در حقوق کیفری، ایران نه تنها حق اعلام داشتن وکیل قبل از بازجویی منتفی است، بلکه اساس حق داشتن وکیل نیز با قیود مبهم مواجه است و اجازه حضور یا نبود وکیل در تحقیقات و بازجویی بستگی به نظر قاضی دارد. در لایحه تهیه شده توسط قوه قضاییه طبق ماده ۲۳-۱۲۵، بازپرس مکلف به اعلام حق داشتن وکیل شده است و به موجب تبصره همان ماده سلب حق تعیین وکیل یا عدم تفهیم این حق، مشمول بطلان تحقیقات است.

۳. زمان اولین بازجویی و منع تأخیر از تفهیم اتهام

همان گونه که در مباحث قبل اشاره شد، احضار، جلب و بازجویی متهم، متوقف بر وجود دلایل کافی است. در نظام های دادرسی کیفری به منظور ممانعت از توقیف غیر قانونی به لحاظ تأخیر در ترتیب اولین بازجویی و تفهیم اتهام، پس از احضار یا جلب و نیز جلوگیری از خدعه احضار یا جلب متهم تحت عنوان شاهد یا مطلع و اخذ اطلاعات لازم از او و سپس تفهیم اتهام متعاقب در آن جلسه به همان شخص به عنوان متهم که جملگی اخلال به حقوق دفاعی متهمان محسوب می شود، مقررات دقیقی وضع شده است. تفصیل حقوق دفاعی در این بخش به شرح ذیل است.

۳-۱. زمان اولین بازجویی

طبق مفاد بند ۲ ماده ۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، متهم باید در موقع احضار یا دستگیری، از موضوع اتهام مطلع شده و در مدت معقول از او تحقیق یا دادرسی شود. لذا قوانین دادرسی به منظور اجتناب از تأخیر غیر ضروری در انجام بازجویی و تعیین تکلیف سریع متهم پس از احضار یا جلب وی بر حسب مورد، قاضی تحقیق را مکلف کرده‌اند که بلافاصله بازجویی از او را آغاز و در صورت عدم امکان در ظرف زمانی معین یا دوره زمانی با ضابطه مشخص اقدام نماید.

ماده ۱۲۷ ق. آ. د. ک ایران در این زمینه مقرر می‌دارد: «قاضی مکلف است بلافاصله پس از حضور یا جلب متهم، تحقیقات را شروع و در صورت عدم امکان حداکثر ظرف (۲۴) ساعت مبادرت به تحقیق نماید. در غیر این صورت، بازداشت غیر قانونی تلقی و مرتکب به مجازات مقرر قانونی محکوم خواهد شد.»

طبق ماده ۱۲۴ قانون آیین دادرسی کیفری سابق، ضمانت اجرای تخلف از قاعده مذکور علاوه بر پیش بینی تعقیب کیفری به لحاظ توقیف غیر قانونی، شامل تعقیب انتظامی انفصال از شغل بود، ولی در قانون فعلی ضمانت اجرای انتظامی مزبور مقرر نشده است. این شیوه در حقوق کشورهای فرانسه (لارگیه، ۱۳۷۸: ۱۴۱)، لبنان (نقیب، همان: ۴۸۰-۴۸۱) و سوریه (آشوری، امیدی، همان: ۳۳-۳۴) نیز اعمال می‌شود. در حقوق آمریکا، تأخیر در نخستین بازجویی و اعزام متهم نزد قاضی دادگاه بخش برای صدور قرار تأمین مقتضی از مصادیق تعقیب غیر قانونی است و مشمول قاعده ابطال ادله خواهد بود (Kolasa, Blairyj, op. cit: 230-31).

۳-۲. منع تأخیر از تفهیم اتهام

چنانچه دلایل کافی مبنی بر ارتکاب جرم و توجه اتهام به شخص یا اشخاص معینی در اختیار قاضی تحقیق باشد، باید بر حسب مورد به عنوان متهم برای تحقیق احضار یا جلب شود، اما در رویه قضایی کشورها مشاهده می‌شود که بعضاً فرد مزبور را به عنوان شاهد یا مطلع احضار یا جلب و پس از اخذ سوگند، اطلاعات لازم را از وی دریافت و مکتوب می‌کنند و سپس در همان جلسه با عنایت به دلایل تحصیل شده و اخذ اطلاعات مزبور به عنوان متهم به وی تفهیم

اتهام می کنند. این روش خدعه آمیز از مصادیق بارز اخلال در حقوق دفاعی متهمان است، زیرا اطلاعات اخذ شده از سوی شاهد یا مطلع که به همراه اتیان سوگند بوده است، او را در محذور اخلاقی قرار داده و چه بسا با اظهارات خود، اتهامی ناخواسته مطرح کرده باشد. به علاوه، شخص متهم به هنگام شروع بازجویی از تضمینات لازم، از جمله حق داشتن وکیل و اعلام آن هنگام بازجویی برخوردار بوده است که با عنایت به عنوان شاهد یا مطلع از این حقوق محروم شده است.

در حقوق فرانسه تأخیر از تفهیم اتهام به شیوه مزبور مردود و ممنوع اعلام گردیده است (لارگیه، ۱۳۷۸: ۱۴۷-۱۴۸) و این موضوع در بسیاری از کشورها موجب ابطال تحقیقات است (آخوندی، ۱۳۸۲: ۸۷).

در حقوق ایران، منع تأخیر از تفهیم اتهام با ترفندهایی که به آنها اشاره شد، منع نشده است و این مطلب می تواند زمینه اخلال در حقوق دفاعی متهمان را فراهم سازد. در لایحه تهیه شده توسط قوه قضاییه مطابق ماده ۴۶-۱۲۵ روش مزبور به صراحت منع شده است. طبق این ماده، اگر شاهد یا مطلع پس از اخذ اظهارات در مظان اتهام قرارگیرد، باید طبق مقررات و به عنوان متهم برای وقت دیگر احضار شود.

۴. تضمینات حقوقی دفاعی در اثنای بازجویی

مقامات قضایی و انتظامی پس از فراهم نمودن مقدمات بازجویی و رعایت حقوق دفاعی متهمان به روش های مورد اشاره در مباحث قبل، در اثنای بازجویی نیز باید حقوق دفاعی متهمان را کاملاً مورد توجه قرار دهند.

قواعدی که در اثنای بازجویی و برای تضمین حقوق دفاعی متهمان باید مورد توجه و رعایت قرار گیرد، با محوریت حمایت از آزادی دفاع و حفظ حرمت و کرامت انسانی مطرح است. به موجب این قواعد در حین بازجویی، آزادی مطلق متهمان از حیث روحی و جسمی کاملاً تضمین می شود. روش های شناخته شده ای که می تواند مخل آزادی دفاع باشد، در این مبحث مطالعه می گردد.

۴-۱. منع پرسش های القایی^۱

از جمله اموری که می تواند بر روحیه افراد تأثیرگذار باشد و در نظام های دادرسی کیفری ممنوع اعلام شده است، طرح سؤالهای القایی است. پرسش های مطروحه باید رافع تأثیر غیر منطقی بر عواطف و احساسات متهم باشد. اساساً طرح این گونه پرسش ها، نه تنها بر روحیه افراد ضعیف النفس تأثیرگذار است و تحت تأثیر تلقین به جرم ناکرده، اعتراف می کنند، بلکه در مورد افراد عادی نیز مؤثر واقع می شود (حکمت، ۱۳۷۰: ۹۸). بنابراین، از طرح این گونه سؤالات به شدت در اثنای بازجویی به شدت باید اجتناب شود. در پرسش های القایی نوع سؤال به گونه ای است که افراد را به پذیرش اتهام تحریک و سوق می دهد؛ مثلاً طرح این سؤال از شخص متهم به ارتکاب سرقت اتومبیل که آیا اتومبیل ربوده شده توسط شما آبی یا قرمز بوده است، تلقینی است، زیرا ناخودآگاه فرد را به پذیرش اتهام سرقت و تفکر در مورد یادآوری رنگ آن وادار می کند. پرسش صحیح این است که آیا اتهام سرقت اتومبیل مدل... را با توجه به دلایل... قبول دارید یا خیر؟

طبق ماده ۱۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری در حقوق ایران طرح سؤالهای القایی ممنوع شده است، اما ضمانت اجرایی در متن ماده مزبور برای رعایت آن پیش بینی نشده است و همان طور که قبلاً اشاره شد، در قانون آیین دادرسی کیفری سابق، حداقل ضمانت اجرای انتظامی برای طرح این گونه سؤالها مقرر شده بود. در لایحه تهیه شده توسط قوه قضاییه طبق ماده ۳۰-۱۲۵ طرح پرسش های القایی موجب محکومیت انتظامی تا درجه چهار است.

۴-۲. اغفال متهم^۲

فریب متهمان از طریق جلب اعتماد ایشان به وعده های دروغ به معافیت یا تخفیف مجازات برای اعتراف به ارتکاب جرم و سایر موارد موجب اخلال به حقوق دفاعی است. این که قضات تحقیق و ضابطان دادگستری در اثنای تحقیق برای اخذ اقرار از متهم، متوسل به وعده های خوشایندی شوند که عملی ساختن آنها از حیطة اختیارات ایشان خارج باشد، از مصادیق بارز فریب یا اغفال متهم است. همچنین، اگر دو نفر بازجو هنگام بازجویی به صورت تصنعی نقش های متفاوتی به خود گیرند و در نتیجه، با جلب اعتماد متهم از وی اخذ اطلاعات نمایند، به

1. Leading questions
2. Entrapment

حق دفاع وی خدشه وارد کرده اند؛ از قبیل اینکه یکی از بازجویان در نقشی خشن و غیر قابل انعطاف ظاهر شود و دیگری خود را مهربان و دلسوز نشان دهد و متهم تحت فریب ظاهر شخصیت بازجوی اخیر و به امید مساعدت او در رهایی از وضعیت نابهنجار خود به جرم ناکرده اقرار نماید (آیین پور، ۱۳۶۱: ۲۸).

حسب ماده ۱۲۹ ق. آ. د. ک ایران اغفال متهم در بازجویی به صراحت ممنوع شده است. طبق ماده ۳۰-۱۲۵ لایحه قوه قضاییه اغفال متهم به هنگام بازجویی، مستوجب محکومیت انتظامی تا درجه چهار است.

۳-۴. اکراه و اجبار^۱

اکراه و اجبار متهم در پاسخ به پرسش‌های حین بازجویی از مصادیق بارز تجاوز به حقوق دفاعی متهمان است. اکراه و اجبار متهمان برای اخذ اقرار از طریق اعمال شکنجه‌های جسمی یا روحی صورت می‌گیرد. شکنجه متهمان در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشر به شدت ممنوع شده است. مهمترین کنوانسیون بین‌المللی در این زمینه، کنوانسیون منع شکنجه و دیگر روش‌های موهن در اثنای تحقیقات و بازجویی مصوب ۱۹۸۴ سازمان ملل متحد است. ماده ۱ کنوانسیون مزبور در تعریف شکنجه مقرر می‌دارد (امیر ارجمند، ۱۳۸۰: ۴۹۷): «واژه شکنجه به هر عملی اطلاق می‌شود که عمداً درد یا رنج‌های جانکاه جسمی یا روحی به شخص وارد آورد، خاصه به قصد این که از این شخص یا شخص ثالث اطلاعات یا اقرارهایی گرفته شود یا به اتهام عملی که این شخص یا شخص ثالث مرتکب شده یا مظنون به ارتکاب جرم است، تنبیه گردد، یا این شخص یا شخص ثالث مرعوب یا مجبور شود و یا به هر دلیل دیگری که مبتنی بر شکلی از اشکال تبعیض باشد. منوط بر این که چنین درد و رنج‌هایی به دست کارگزار دولت یا هر شخص دیگر که در سمت رسمی مأمور دولت بوده است، یا به ترغیب یا با رضای صریح یا ضمنی او تحصیل شده باشد. این واژه درد و رنج‌هایی را که منحصرأ از اجرای مجازات‌های قانونی حاصل می‌شود و ذاتی یا مسبب چنین مجازات‌هایی است، دربرنمی‌گیرد.»

اصل ۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در مقام منع اعمال شکنجه متهم در اثنای بازجویی می‌گوید: «هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار

1.Coercion

شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می شود.» ماده ۱۲۹ ق. آ. د. ک اجبار و اکراه متهم را ممنوع اعلام کرده است. بند ۹ ماده واحد قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب سال ۸۳ نیز در زمینه منع شکنجه و ایجاد الزام قضات و ضابطان قوه قضاییه در رعایت این ممنوعیت اشعار می دارد: «هرگونه شکنجه متهم به منظور اخذ اقرار و یا اجبار او به امور دیگر ممنوع بوده و اقرارهای اخذ شده بدینوسیله حجیت شرعی و قانونی نخواهد داشت.»

از ملاحظه و بررسی اسناد مزبور معلوم می شود که؛ اولاً- با توجه به عبارت عام «هرگونه شکنجه» در اصل ۳۸ قانون اساسی و ماده اخیرالذکر، مطلق شکنجه اعم از جسمی و روحی در حقوق ایران ممنوع است و از این حیث با تعریف شکنجه در ماده ۱ کنوانسیون مورد اشاره منطبق است؛ ثانیاً- اگرچه ماده ۱۲۹ ق. آ. د. ک ایران اجبار و اکراه متهمان را هنگام بازجویی و در نتیجه «شکنجه» را ممنوع اعلام کرده است، لیکن راجع به ارزش اثباتی اقرار ناشی از شکنجه سکوت اختیار نموده است، اما با توجه به اصل ۳۸ قانون اساسی و بند ۹ قانون حفظ حقوق شهروندی، اقرارهای مزبور فاقد حجیت شرعی و قانونی اعلام شده است.

روش قانونگذار در بند ۹ قانون حفظ حقوق شهروندی با موازین بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشر و قانون اساسی ایران هماهنگ و قابل تحسین است، لیکن چه خوب بود که ضمانت اجرای بطلان نقض حقوق دفاعی متهمان را در سایر موارد مذکور در ماده ۱۲۹ ق. آ. د. ک از قبیل طرح سؤالیهای القایی و اغفال متهم و سایر اقدامات مشابه، مانند مورد شکنجه تعمیم می داد.

ضمانت اجرای کیفری اخذ اقرار به شکنجه در ماده ۵۷۸ ق.م.ا پیش بینی شده است: «هر یک از مستخدمین و مأموران قضایی یا غیر قضایی دولتی برای این که متهمی را مجبور به اقرار کند او را اذیت و آزار بدنی نماید، علاوه بر قصاص یا پرداخت دیه حسب مورد به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می گردد و چنانچه کسی در این خصوص دستور داده باشد فقط دستور دهنده به مجازات حبس مذکور محکوم خواهد شد و اگر متهم به واسطه اذیت و آزار فوت کند، مباشر مجازات قاتل و آمر مجازات آمر قتل را خواهد داشت.»

به طوری که از متن ماده مزبور مشخص شده است، مقنن فقط ضمانت اجرای کیفری برای شکنجه جسمی با تعبیر «اذیت و آزار جسمی» قائل شده است و از تعمیم آن به شکنجه‌های روحی که شیوع بیشتری دارد، خود داری کرده که این ایراد اساسی به قانون وارد است.

شکنجه‌های روحی از قبیل طولانی کردن زمان بازجویی و خسته کردن اعصاب و روان متهم، بدون این که در فاصله بازجویی‌ها امکان استراحت و تمدد اعصاب به او داده شود، بستن چشم متهم ضمن بازجویی، تحقیر و استخفاف وی، مانند به کار بردن کلمات رکیک، توهین، رو به دیوار قرار دادن متهم در حین بازجویی و گرسنگی و تشنگی دادن به متهم، همانند اذیت و آزار بدنی، اخلال به حقوق دفاعی متهم در اثنای بازجویی است. بند ۳ ماده واحده قانون حفظ حقوق شهروندی با منع صریح چنین روش‌هایی مقرر می‌دارد: «در جریان دستگیری و بازجویی یا استطلاع و تحقیق، از ایذای افراد، نظیر بستن چشم و سایر اعضا، تحقیر و استخفاف به آنان، اجتناب گردد».

بدین ترتیب، قانون مزبور با قید کلمه «نظیر» کلیه مصادیق، شکنجه روحی را ممنوع و طبق بند ۹ همان قانون اقرارهای اخذ شده از این روش‌ها را مشمول فقد حجیت شرعی و قانونی اعلام کرده است. از حیث اطمینان به رعایت این مصوبات و جنبه کاربردی قوه قضاییه باید استناد به بند ۱۵ قانون حفظ شهروندی کارشناسانی امین و دلسوز را برای مراجعه مستمر به مراجع انتظامی و قضایی کشف و تحقیق جرایم تعیین کند تا در صورت مشاهده هرگونه تخلف مراتب را گزارش کنند و موضوع پیگیری شده، به اطلاع مردم برسد، زیرا بند ۱۰ قانون فوق‌الذکر الزام نظارت بر تحقیقات و بازجویی‌ها را پیش‌بینی کرده است.

در حقوق اسلامی مقرر باید بالغ، عاقل، قاصد و مختار باشد. بنابراین، اقرار مجنون و مکره به واسطه التزام به حدیث رفع فاقد اعتبار شرعی است (شهید ثانی، بی تا، ج ۳: ۳۳).

در حقوق انگلو- امریکن نیز متهم باید به هنگام بازجویی از آزادی مطلق اراده برخوردار باشد؛ به گونه‌ای که اقرار او داوطلبانه و عاری از هرگونه تهدید یا تطمیع به بخشودگی و یا تخفیف مجازات باشد (Harris, Seymour F, 1989: 432-33).

در حقوق ایتالیا بازجویی باید بدون اعمال فشارهای روحی و جسمی انجام گیرد و اقرارهای ناشی از این گونه بازجویی‌های غیر قانونی فاقد اثر حقوقی است و شکنجه‌گر قابل تعقیب کیفری است (Certoma GL, op. cit.: 236).

۴-۴. منع کاربرد روش های علمی مخل حق دفاع

بند ۱۰ ماده واحده قانون حفظ حقوق شهروندی مقرر می دارد: «تحقیقات و بازجویی ها، باید مبتنی بر اصول و شیوه های علمی قانونی و آموزش های قبلی و نظارت لازم صورت گیرد و با کسانی که ترتیبات و مقررات را نادیده گرفته و در اجرای وظایف خود به روش های خلاف آن متوسل شده اند، بر اساس قانون برخورد جدی صورت گیرد.»

همان طور که ملاحظه می شود، ماده مزبور استفاده از اصول و شیوه های علمی قانونی را به هنگام بازجویی مجاز شمرده است، اما مفهوم شیوه های علمی و مصادیق آنها توسط قانونگذار به منظور حقوق دفاعی متهمان مشخص نشده است. از آن جهت که ممکن است برخی تصور کنند همه شیوه های علمی هنگام بازجویی از متهمان مجاز و قابل استفاده است، تبیین این نکته ضروری است که وفق اصول دادرسی منصفانه، آن دسته از شیوه های علمی که به حقوق دفاع لطمه وارد می کند، هنگام بازجویی از متهمان منع شده است. از جمله روش های علمی که در روان پزشکی استفاده می گردد، ولی علمای دادرسی کیفری کاربرد آن را هنگام بازجویی مخل حقوق دفاعی می دانند، شیوه نارکو - آنالیز است. در این شیوه، متخصصان با تزریق محلول های خواب آور (مواد مخدر) از قبیل آمیتال، اسکوپولامین و پنتوتال در فرد مورد نظر خود، به درون روان ناخودآگاه وی نفوذ کرده، نیروی مقاومت او را درهم شکسته و مطالبی را افشا می نمایند (کی نیا، ۱۳۶۷: ۱۴-۱۶).

با توجه به این که روش مزبور به سلامت و آزادی اراده متهم هنگام بازجویی خدشه وارد می کند، مخل حق دفاع محسوب و کاربرد آن هنگام بازجویی ممنوع اعلام شده است. در حقوق فرانسه، استفاده از روش مزبور به جهات فوق الذکر در بازجویی ممنوع است (لارگیه، همان: ۸۳-۸۴ و کی نیا، همان: ۱۹).

در عین حال، در رویه قضایی آمریکای، برخی از دادگاه ها استفاده از این شیوه را مشروط به این که مورد موافقت متهم بوده و پس از انجام عمل هم مورد تأیید قرار دهد، پذیرفته اند (عوجی، همان: ۶۱۶). روش علمی دیگر که هنگام بازجویی ممکن است استفاده شود، دستگاه دروغ یاب نامیده شده است. این دستگاه هنگام دروغ، تغییرات فشار خون، نبض و تنفس را ثبت می کند و این پدیده بازجو را قادر می سازد که به کشف حقیقت نایل آید. در نظام دادرسی کیفری، اولاً این دستگاه وسیله مطمئنی برای کشف حقیقت نیست، زیرا جنایتکاران حرفه ای که جنایت و دروغ عادت ثانوی آنهاست، از طریق دستگاه، دروغگویی آنان افشا نمی شود و

هیچ‌گونه واکنشی بروز نمی‌دهند؛ ثانیاً، با فرض صلاحیت علمی دستگاه برای کشف حقیقت و با فرض این که متهم با استفاده دستگاه هنگام بازجویی موافقت کند، نقض امتیاز مصونیت از خود اتهامی و اخلال به حق دفاع او محقق خواهد بود. از این رو، بسیاری از دادگاه‌های آمریکایی با استدلال به عدم صلاحیت علمی دستگاه دروغ‌یاب، اعتراف حاصل از آن را به رسمیت نشناخته‌اند (Encyclopedia Britannica, 1968: 479).

به نظر برخی از علمای امامیه به روش‌های علمی مذکور به عنوان کشف حقیقت در بازجویی نمی‌توان اعتماد کرد و لذا اقرار حاصل از آنها فاقد اعتبار شرعی است. به علاوه به عنوان روش‌هایی برای حصول علم قاضی نیز نمی‌تواند مورد استفاده قرار گیرد، زیرا علم قاضی باید از طرق مشروع متکی به کتاب و سنت و اجماع و عقل حاصل شود (همدانی، بی تا: ۴۴-۵۴۳).

بنابراین، مقنن یا حداقل رویه قضایی مبتنی بر اصول دادرسی منصفانه باید به تبیین شیوه‌های علمی صحیح بازجویی پرداخته، به طور صریح و شفاف آن دسته از روش‌های علمی را که هنگام بازجویی محل حقوق دفاع محسوب می‌شوند، ممنوع اعلام و ضمانت اجرای مناسب کیفری، انتظامی و بطلان برای کاربرد آنها را پیش‌بینی کند.

۵. ضابطان دادگستری و حقوق دفاعی متهمان در امر بازجویی

همان‌گونه که در مباحث قبل ملاحظه شد، اساساً متصدی انجام تحقیقات مقدماتی، از جمله بازجویی به عهده قضات تحقیق است. اصل بر منع مباشرت ضابطان دادگستری در انجام تحقیقات مقدماتی است. در عین حال، در جرایم مشهود و بعضاً حسب دستور و نظارت قضات تحقیق، امکان تصدی تحقیقات مقدماتی و امر بازجویی در اثنای تحقیقات با لحاظ محدودیت‌های قانونی توسط ضابطان دادگستری پیش‌بینی شده است.

بررسی و تبیین حقوق دفاعی متهمان در سازوکار دادرسی مزبور، واجد اهمیت فراوان است. در این قسمت از مقاله، ضمن اشاره‌ای به حدود اختیارات ضابطان در تحقیقات، حقوق دفاعی متهمان را در امر بازجویی به مباشرت ایشان مورد بحث قرار خواهیم داد.

۱-۵. حدود اختیارات ضابطان دادگستری^۱

در نظام های دادرسی کیفری، اختیارات ضابطان دادگستری در تحقیقات به منظور حمایت از حقوق اجتماعی و منافع بزه دیدگان در جرایم مشهود توسعه دارد.

جرم مشهود^۲، جرمی است که در مرئی و منظر ضابطان دادگستری اتفاق افتاده است یا حسب دلایل و امارات قویه، بلافاصله پس از وقوع، انتساب ارتکاب آن به شخص یا اشخاص خاصی مبرهن است. در ماده ۲۱ ق. آ. د. ک مصادیق جرایم مشهود به طور حصری مشخص شده است.^۳

ضابطان مزبور در خصوص جرایم مشهود تمامی اقدامات لازم را به منظور حفظ آلات و ادوات و آثار و علایم جرم و جلوگیری از فرار متهم یا تبانی وی با شهود و مطلعین قضیه، معمول و تحقیقات مقدماتی را انجام و بلافاصله به اطلاع مقام قضایی می رسانند (ذیل ماده ۱۸ ق. آ. د. ک).

برخی مصادیق بارز حدود اختیارات ضابطان در تحقیقات مقدماتی ناظر به جرایم مشهود عبارتند از: تفتیش یا بازرسی منازل، اماکن، اشیاء، دستگیری متهمان و در صورت ضرورت، تحت نظر داشتن ایشان در حوزه ها یا قرارگاه های انتظامی برای تکمیل تحقیقات، حداکثر به مدت ۲۴ ساعت، ضمن ابلاغ کتبی اتهام با ذکر دلایل آن (ماده ۲۴ ق. آ. د. ک). همچنین ضابطان دادگستری مکلف به انجام دستورات مقام قضایی در مرحله مقدماتی از جمله بازجویی متهمان می باشند (بند ۳ ماده ۳ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب و موارد ۲۷ و ۴۳ ق. آ. د. ک).

در غیر موارد مزبور، ضابطان دادگستری حق ورود در انجام تحقیقات مقدماتی را ندارند و در موارد مجاز، ورود در تحقیقات پس از مداخله مقام قضایی، تحقیقاتی را که انجام داده اند، به

1. Plocie

2. Flagrance delicto

۳. طبق ماده ۲۱، جرم در موارد زیر مشهود محسوب می شود: « ۱- جرمی که در مرئی و منظر ضابطین دادگستری واقع شده یا بلافاصله مأمورین یادشده در محل وقوع جرم حضور یافته و یا آثار جرم را بلافاصله پس از وقوع آن مشاهده کنند. ۲- در صورتی که دو نفر یا بیشتر که ناظر وقوع جرم بوده اند و یا مجنی علیه بلافاصله پس از وقوع جرم شخص معینی را مرتکب جرم معرفی نماید. ۳- بلافاصله پس از وقوع جرم علائم و آثار واضحه یا اسباب و دلایل جرم در تصرف متهم یافت شود یا تعلق اسباب و دلایل یاد شده به متهم محرز شود. ۴- در صورتی که متهم بلافاصله پس از وقوع جرم، ورود مأمورین را به خانه تقاضا کند. ۵- وقتی که متهم ولگرد باشد.»

وی تسلیم نموده و دیگر حق دخالت ندارند، مگر به دستور مقام قضایی یا مأموریت جدیدی که از طرف او به آنان ارجاع می شود (ماده ۲۵ ق. آ. د. ک.).

ضابطان دادگستری مطلقاً حق تحقیق در جرایم منافی عفت، اتهامات اطفال و نوجوانان زیر ۱۸ سال و اخذ تأمین از متهمان را ندارند (ماده ۱۹ و تبصره ماده ۴۳ و ماده ۲۲۱ ق. آ. د. ک.).

۵-۲. حقوق دفاعی متهمان در امر بازجویی نزد ضابطان دادگستری

ضرورت اعمال اصل تساوی سلاح ها (پیش بینی امکانات برابر برای طرفین دعوی و دفاع) به عنوان محور دادرسی منصفانه، ایجاب می کند که در قبال اختیارات وسیع ضابطان در انجام تحقیقات، حقوق دفاعی متهمان در قبل و اثنای بازجویی به طور شفاف پیش بینی شود و مورد توجه قرار گیرد، اما مقررات دادرسی کیفری ایران، بیانگر آن است که مقنن، حقوق دفاعی متهمان را نزد ضابطان نارسا، مبهم و ضعیف پیش بینی کرده است. این وضعیت می تواند حقوق دفاعی اشخاص فوق الذکر را به شدت در معرض تهدید و تضییع قرار دهد. مقنن در خصوص رعایت حقوق دفاعی متهمان در حین سازوکار مهم تحقیق، فقط در چند مورد خاص به صراحت سخن به میان آورده و در غالب موارد قضیه را به سکوت و ابهام برگزار نموده است. موارد تصریح قانونگذار به شرح ذیل است:

اطلاع به خانواده متهمان در موقع دستگیری: ضابطان دادگستری خواه در جرایم مشهود یا به لحاظ حکم مقام قضایی، چنانچه مبادرت به دستگیری متهم کنند، مکلفند موضوع دستگیری را به آگاهی خانواده متهم برسانند (بند ۵ ماده واحده قانون حفظ حقوق شهروندی).

ابلاغ کتبی اتهام با ذکر دلایل آن: ضابطان دادگستری به محض نگهداری تحت نظر متهمان، مکلف به ابلاغ کتبی اتهام با ذکر دلایل آن می باشند (ماده ۲۴ ق. آ. د. ک.).

ابلاغ کتبی اعلام ساده اتهام است، در حالی که قضات تحقیق مکلف به تفهیم اتهام با ذکر دلایل آن می باشند (ماده ۱۲۹ ق. آ. د. ک.). تفهیم اتهام به معنی فهمانیدن عمیق آن به متهم و مفهومی دقیقتر از ابلاغ کتبی اتهام است. اصل ۳۲ قانون اساسی ضابطان دادگستری را هنگام نگهداری تحت نظر متهمان، مکلف به تفهیم اتهام به ایشان کرده است و لذا از حیث هماهنگی با قانون اساسی مقنن عادی هم باید در تأمین هر چند بهتر حقوق دفاعی متهمان، موضوع تفهیم اتهام را تکلیف ضابطان دادگستری اعلام کند.

منع اذیت و آزار و شکنجه متهمان: حسب بندهای ۶، ۷ و ۹ قانون حفظ حقوق شهروندی، ضابطان دادگستری در جریان دستگیری و بازجویی متهمان از آزار و اذیت و شکنجه جسمی و روحی، از قبیل بستن چشم و سایر اعضا، پوشاندن صورت یا نشستن پشت سر و تحقیر و استخفاف ایشان منع شده اند و اقرارهای اخذ شده از طرق نامشروع مزبور بی اعتبار تلقی گردیده است.

با قطع نظر از موارد مزبور که مقنن، حقوق دفاعی متهمان را نزد ضابطان دادگستری پیش بینی نموده است، در سایر حقوق دفاعی مورد بحث در این مقاله، اعم از قبل از بازجویی و در اثنای آن، تکلیف قضیه مشخص نیست؛ به ویژه اگر به این نکته توجه نماییم که به صراحت مواد قانونی مورد بحث، مقنن تکلیف رعایت حقوقی دفاعی متهمان را متوجه قضات تحقیق قرار داده است. در ماده ۲۵ قانون آیین دادرسی کیفری سابق به صراحت اقدامات ضابطان دادگستری در انجام تحقیقات مقدماتی جرایم مشهود و هنگام نیابت قضایی، موافق قواعد و ترتیبات مذکور در مواد ناظر به تحقیقات مقدماتی مقرر شده بود، اما این ماده مهم که حداقل به نحو اجمال تکلیف ضابطان را در رعایت حقوق دفاعی متهمان پیش بینی کرده بود، در قانون آیین دادرسی کیفری سال ۷۸، بدون توجه به عواقب این موضوع حذف گردید.

با وجود این، نظر به این که مقنن در موارد منصوص مورد اشاره در مبحث پیش، امر تحقیقات، از جمله بازجویی را به عهده ضابطان قرار داده و حقوق دفاعی مطروحه در قبل و اثنای بازجویی در مرحله تحقیقات پیش بینی شده است، ضابطان دادگستری به عنوان قائم مقام قانونی قضات تحقیق، باید حقوق دفاعی مزبور را کاملاً رعایت کنند از طرفی، باید توجه داشت که صراحت قانونگذار در مورد رعایت حقوق دفاعی متهمان توسط قضات به این لحاظ است که در غالب موارد قضات تحقیق، امر تحقیقات را به عهده دارند و ورود ضابطان در این عرصه استثنایی است و قانونگذار در این خصوص در مقام بیان رفع تکلیف ضابطان در مواردی نیست که امر تحقیقات را به عهده دارند. بنابراین، با الغای خصوصیت ذکر قاضی در موارد مورد بحث، ضابطان دادگستری مکلف به رعایت کلیه حقوق دفاعی متهمان قبل و در اثنای بازجویی در مرحله تحقیقات هستند. لذا قوه قضاییه باید با صدور بخشنامه های لازم ضابطان دادگستری را در رعایت کلیه حقوق دفاعی مورد بحث، اعم از ضرورت وجود دلایل کافی پیش از مبادرت به بازجویی، ثبت هویت متهمان، تذکر به مواظبت در اظهارات، حق سکوت، حق داشتن وکیل و

حق منع تأخیر در تفهیم اتهام، حق تفهیم اتهام با ذکر دلایل آن، حق منع شکنجه و اذیت و آزار جسمی و روحی آگاه ساخته، مجدانه اعمال این حقوق را در موقع انجام تحقیقات پیگیری کنند.

در عین حال، مطلوب آن است که مقنن به طور صریح ابهام زدایی نماید و حقوق دفاعی متهمان را هنگام انجام امر تحقیقات، از جمله بازجویی نزد ضابطان دادگستری پیش بینی کند، همچنان که در بعضی کشورها مقنن اقدام به چنین امری نموده است. در حقوق ایتالیا پلیس قضایی مانند مقامات قضایی مکلف به تفهیم حق سکوت در بازجویی از متهم است. وفق آرای دادگاه قانون اساسی کشور مزبور، رعایت حقوق دفاعی متهم، شامل حق اطلاع به اتهام، حق معرفی دلایل بی گناهی و حق داشتن وکیل، توسط پلیس قضایی الزامی است (Certoma, G.L., op.cit.: 223-229).

در حقوق انگلستان، پلیس مکلف به رعایت حقوق دفاعی متهمان، شامل حق تقاضای ارتباط با مشاور حقوقی، امتناع از پاسخگویی به سؤالات پلیس، حق اطلاع دادن موضوع دستگیری خود به دوستان یا فامیل است (Pritchard, op. cit.: 114).

در حقوق آمریکا، هر گاه به نحوی از انحاء آزادی متهم توسط پلیس سلب شود، به موجب اصلاحیه های چهارم، پنجم و ششم قانون اساسی و آرای دیوان کشور، پلیس باید حقوق دفاعی متهم را، از قبیل حق مشاوره با وکیل مدافع و همراه داشتن او هنگام بازجویی، حق سکوت و این که چنانچه مطلبی ادا کند، ممکن است علیه وی در دادگاه استفاده شود، به وی تفهیم نماید (Kolasa, Blairy j, op. cit.: 223).

در حقوق فرانسه اگرچه حقوق دفاعی اشخاص تحت نظر، نزد پلیس قضایی در مقایسه با حقوق دفاعی متهمان در مرحله تحقیقات نزد قضات تحقیق در کشور مزبور دارای محدودیت است، لیکن به صراحت پیش بینی شده است. شخص تحت نظر می تواند، یکی از والدین، برادرها، خواهرها و یا کارفرمای خود را از وضعیت خویش مطلع سازد و تقاضای معاینه پزشکی نماید و نیز از شروع تحت نظر بودن، تقاضای ملاقات با وکیل داشته باشد. در عین حال، در برخی جرایم مانند قوادی مشدد ۲۴ ساعت و در جرایم تروریستی ۷۲ ساعت بعد از شروع تحت نظر می تواند تقاضای ملاقات با وکیل داشته باشد. وقت ملاقات با وکیل ۳۰ دقیقه است و وکیل می تواند ملاحظات کتبی خود را برای درج در پرونده به پلیس قضایی ارائه دهد (مواد ۲-۶۳، ۳-۶۳ و ۴-۶۳ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه). در عین حال، در این مرحله نیز پلیس مکلف به اعلام حقوق دفاعی متهمان از قبیل حق سکوت و داشتن وکیل است (ماده

۱-۶۳ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه). در لایحه قوه قضاییه طبق ماده ۲۴-۱۲۱ به موجب درخواست شخص تحت نظر یا یکی از بستگان نزدیک وی، یکی از پزشکان به تعیین دادستان از او معاینه به عمل می‌آورد. همچنین، وفق ماده ۲۱-۱۲۱ شخص تحت نظر با شروع تحت نظر قرار گرفتن، می‌تواند تقاضای حضور وکیل کند و وکیل مزبور در پایان ملاقات که نباید از ۳۰ دقیقه بیشتر باشد، می‌تواند ملاحظات کتبی خود را جهت درج در پرونده اعلام کند. مطابق ماده ۲۵-۱۲۱ ضابطان دادگستری باید حقوق مزبور را به متهم تفهیم نمی‌کنند.

نتیجه‌گیری

به موجب اصول دادرسی منصفانه، رعایت اصل سرعت در انجام تحقیقات مقدماتی دادرسی کیفری که ناظر به اقدامات تدارک پرونده در پیش از محاکمه با انگیزه حمایت از منافع جامعه و بزه دیدگان صورت می‌گیرد، نباید موجب غفلت از اصل برائت به عنوان میراث مشترک حقوقی کشورها و به تبع حقوق دفاعی متهمان، به ویژه در امر بازجویی باشد.

در بازجویی به عنوان مرکز ثقل تحقیقات مقدماتی، حسب اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشر و در مطابقت با اصول و موازین دادرسی اسلامی، در راستای کشف حقیقت و حفظ حرمت و کرامت انسان‌ها و به منظور رفع اتهام روا یا ناروایی که به متهمان در فرآیند دادرسی نسبت داده می‌شود، حقوقی بنیادین موسوم به حقوق دفاعی پیش‌بینی شده است.

حقوق مزبور مشمول در مرحله قبل و در اثنای بازجویی است. با این‌که مصادیق حقوق دفاعی متنوع است، اما با محوریت حفظ حرمت و کرامت انسانی و تقید راستین به اصل برائت مقرر گردیده است. مصادیق این حقوق در پیش درآمد ورود به بازجویی، تذکر به مواظبت در اظهارات یا هشدار به متهم نسبت به آثار مترتب بر اظهارات او در موقع محاکمه، تفهیم صریح اتهام با ذکر دلایل آن به زبانی که برای متهم قابل درک است، حق سکوت و داشتن وکیل به هنگام بازجویی و اعلام آن به متهمان، منع تأخیر از تفهیم اتهام و تعیین تکلیف ایشان به منظور آزادی یا صدور قرار تأمین مناسب به محض دستگیری یا حضور نزد قاضی یا هر مقام صالح دیگر در مدت زمانی معقول (غالباً حداکثر در مدت ۲۴ ساعت) است. در اثنای بازجویی محوریت مصادیق حقوق دفاعی، رعایت حق آزادی مطلق متهمان، احترام به کرامت انسانی و منع تعرض به حریم خصوصی ایشان در بیان اظهارات پیرامون اتهام است. به این منظور، هرگونه اذیت و آزار جسمی و روحی، طرح سؤالهای القایی و غیر مفید و بی ارتباط به موضوع

اتهام و اغفال متهمان ممنوع است. حقوق دفاعی فوق الذکر نه تنها باید هنگام انجام بازجویی توسط قضات رعایت شود، بلکه ضابطان دادگستری یا پلیس قضایی که حسب قانون یا نیابت قضایی به بازجویی اشخاص در مدت تحت نظر می پردازند، باید در نظام حقوقی پیش بینی یا در صورت محدودیت در برخی موارد با حفظ اصول دادرسی منصفانه، تعریف و مشخص شود.

در نظام دادرسی کیفری ایران، برخی از حقوق دفاعی مورد اشاره اساساً پیش‌بینی نشده یا در وضعیتی مبهم و نارساست. قطع نظر از فقد اعلام حق داشتن وکیل، حتی صرف حق داشتن و حضور او با اختیارات وسیعی که به قضات تحقیق با عناوین کشدار و نارسا و قابل تفسیر سلیقه ای در جلوگیری از ورود وکیل در موقع بازجویی متهم اعطا شده، در هاله‌ای از ابهام است. تذکر به مواظبت در اظهارات به صورت فرم چاپی در اختیار متهمان قرار گرفته است و قضات تحقیق و ضابطان دادگستری به صورت شفاهی و شفاف مبادرت به اعلام این حق و آثار بیان مطالب بازجویی نمی کنند. ضمانت اجرای بطلان تحقیقات ناشی از نقض حقوق دفاعی، به جز در موردی که اقرار متهمان ناشی از شکنجه‌های جسمی یا روحی باشد، مقرر نشده است. تکلیف منع تأخیر در تفهیم اتهام مشخص نیست که به شدت موجب اخلال در حق دفاع به شرح تفصیلی در متن مقاله است. اعمال بازجویی از طریق روش‌های علمی و فناوری‌های نوین پیش‌بینی شده است، اما تعریف روش‌های مزبور و مصادیق آنها مشخص نیست. با این که ضابطان دادگستری در مواردی به امر تحقیقات و بازجویی می پردازند، اما قانونگذار جز در سه مورد به شرح متن مقاله، تکلیفی صریح برای رعایت سایر حقوق دفاعی برای ایشان مقرر نکرده است و این ابهام می تواند محل حقوق دفاعی باشد. امید است لایحه تهیه شده توسط قوه قضاییه به تصویب نهایی رسد که مبادرت به رفع بخشی از نواقص موجود در زمینه موضوع این مقاله به شرح متن شده است.

فهرست منابع

- فارسی

- آشوری، محمد. (۱۳۷۹). آیین دادرسی کیفری، دو جلد، تهران: سمت.
- آخوندی، محمود. (۱۳۸۲). آیین دادرسی کیفری کاربردی، تهران: میزان.
- آیین پور. (۱۳۶۱). جزوه کشف علمی جرایم، تهران: دادستانی کل انقلاب.
- اداره کل تدوین و تنقیح قوانین و مقررات ریاست جمهوری. (۱۳۸۳). مجموعه آیین دادرسی کیفری، ج ۱، تهران: معاونت پژوهش ریاست جمهوری.

- امید بنی کندی، جلیل (۱۳۷۱). ترجمه قانون اصول محاکمات جزایی سوریه، تهران: [بی‌نا].
- امیرارجمند، اردشیر (۱۳۸۰). مجموعه اسناد بین المللی حقوق بشر، (قسمت اول اسناد جهانی)، ج ۱، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (بی‌تا). دائرة المعارف علوم اسلامی (قضائی)، ج ۱، تهران.
- چارلز، ر. سوانسون، نیل سی چاملین و لئونارد تری تو (۱۳۷۵). تحقیقات جنایی، ترجمه مهدی نجابتی، رضا پرویزی و اصغر شفیعی نیک، تهران: جهاد دانشگاهی.
- حسینی همدانی، سید حسین (بی‌تا). المحاکمه فی القضا.
- حکمت، سعید (۱۳۷۰). روان پزشکی کیفری، تهران: گوتنبرگ.
- خلعت بری، ارسلان (۱۳۴۳). «شرکت وکیل مدافع در تحقیقات بازپرسی»، مجله کانون وکلا، تهران: [بی‌نا].
- خمینی، روح اله (بی‌تا). تحریر الوسیله، ج ۱، قم: چاپخانه مهر.
- شهید ثانی، زین الدین (بی‌تا). المروضه البیبه فی شرح اللمعه الدمشقیه، بیروت: دارالعالم الاسلامی.
- زیدان، عبدالکریم (۱۴۰۹ هـ.ق). نظام القضاء فی الشریعه الاسلامیه، بیروت: مؤسسه الرساله، چاپ دوم.
- عوجی، مصطفی (۱۹۸۹). حقوق الانسان فی الدعوی الجزائیه، بیروت: مؤسسه نوفل.
- عوجی، محمد (۱۹۹۰). قانون الأجرات الجنائیه، [بی‌جا]: دارالمطبوعات الجامیه.
- کی نیا، مهدی (۱۳۶۷). جزوه روان شناسی جنایی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- لارگیه، ژان (۱۳۷۸). آیین دادرسی کیفری، ترجمه حسن کاشفی اسماعیل زاده، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- مؤذن زادگان، حسنعلی (۱۳۷۳). پایان نامه دکتری با عنوان حق دفاع متهم در آیین دادرسی کیفری و مطالعه تطبیقی آن، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم (۱۴۰۸ هـ.ق). فقه القضاء، قم: کتابخانه امیرالمؤمنین.
- نقیب، عاطف (۱۹۸۶). اصول المحاکمات الجزائیه، بیروت: عویدات.

– لاتین

- Certoma, G.L.,(1968) *The Italian legal system*, London. 1985
- *Encyclopedia Britannica*, London.
- Harris, Seymour F,(1989) *principles of the criminal law* , London.
- Kadish , sandford H. *Criminal law and it's processes* , Toronto, 1975
- Kolasa, Blairy j, (1978) *Legal systems* , U.S.A.
- Pritchard, jhon, (1989) *Guid to the law* , London.